

در جست وجوی اسلام پیرو

[مسعود رضائی شریعت آبادی]

**[مجموعه در بوته نقد]
[کتاب نهم]**

سرشناسه	رضائی شریف آبادی، مسعود، ۱۳۴۱ - توشیحگر
عنوان قراردادی	در جست و جوی امر قدسی، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور	در جست و جوی اسلام پیرو/نویسنده مسعود رضائی، تهران: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، ۱۴۰۲.
مشخصات نشر	۱۶۸: ص: مصور.
مشخصات ظاهری	مجموعه در بوته نقد: کتاب نهم.
فرویت	۹۷۸-۶۲۲-۹۰۱۳۱-۲۰۰:
شابک	وضعیت فهرست نویسی: فیا
	یادداشت: نهاییه.
موضوع	نصر، حسین، ۱۳۱۲ - . در جست و جوی امر قدسی -- نقد و تفسیر
موضوع	نصر، حسین، ۱۳۱۲ -- مصاحبه‌ها
موضوع	Nasr, Seyyed Hossein-- Interviews:
موضوع	فلسفه اسلامی -- قرن ۱۴
	۲۰th century -- Islamic philosophy
شناسه افزوده	نصر، حسین، ۱۳۱۲ - . در جست و جوی امر قدسی، برگزیده، شرح
شناسه افزوده	دفتر - . لعات و تدوین تاریخ ایران
رده بندی کنگره	۶۶۱۲۰
رده بندی دیویی	۱۰۰/۱۰
شماره کتابشناسی ملی	۱۳۸۱۷۵:
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا	
تاریخ درخواست	۱۴۰۲/۷/۲۰:
کد پیگیری	۹۲۸۵۸۸:



در جست و جوی اسلام پیرو

مؤلف	مسعود رضائی شریف آبادی
ناشر	دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران
چاپ اول	زمستان ۱۴۰۳
شمارگان	۳۰۰:
قیمت	۱۴۰ هزار تومان
ویراستار	طیبه صالحی تجربشی
صفحه‌آرا	عاطفه قدیری
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۰۱۳۱-۲۰۰:
لیتوگرافی و چاپ:	

آدرس: تهران- جنت آباد جنوبی، چهارباغ شرقی، ۱۶ متری لول شمالی، کوچه ریاحی غربی، پلاک ۵۵، واحد ۱

تلفن: ۴۴۴۶۶۶۵۱-۴۴۴۶۶۶۵۰-۴۴۶۱۷۶۱۵

www.irhistory.ir

irhistory1381@gmail.com

۹.....	دیباچه
۱۲.....	زندگی نامه نویسنده اثر
فصل اول - بررسی کتاب	
بخش اول: از تهران تا بوستون	
۱۹.....	ملاقات با مردان بزرگ
۲۲.....	آشنایی با دین
۲۳.....	قهرمانان دوران کودکی
۲۵.....	سفر به آمریکا
۲۶.....	مدرسه پدی
۲۷.....	تحصیل در ام. آی. تی
۳۰.....	هاروارد و پژوهش درباره تاریخ اسلام
۳۲.....	آشنایی با مابعدالطبیعه دانان سنتی

بخش دوم: بازگشت به ایران

۳۷.....	فضاهای سنتی
۴۰.....	هنر تعلیم و تربیت
۴۴.....	هانری گُربن و علامه طباطبایی
۴۷.....	در غربت سیاست
۴۸.....	فلسفه اشراق
۵۰.....	هانری گُربن؛ فیلسوفی غربی در میان ایرانیان
۵۴.....	فلسفه در انجمن
۵۶.....	دانشگاه صنعتی و علم‌گرایی ایرانی
۶۰.....	انقلاب ایران و زندگی در تبعید
۶۴.....	مسلمانی در غرب

بخش سوم: ایران، بردن چیست؟

۶۹.....	پل فیروزه
۷۲.....	تقدس بخشی به زندگی
۷۴.....	الهیگان هنر
۷۵.....	عطش به معنویت
۷۷.....	معنویت در اسلام
۸۰.....	سنت چیست؟
۸۲.....	مدینه فاضله
۸۴.....	تجددگرایان و طبیعت
۸۵.....	جهان سوم و غرب
۸۶.....	معرفت و امر قدسی

بخش چهارم: اسلام و دنیای مدرن

۹۱.....	روح زمان یا روح قدسی
۹۳.....	اندیشه اسلامی و چالش‌های مدرن
۹۴.....	اسلام در فرایند جهانی شدن
۹۶.....	اسلام در آینه غرب

بخش پنجم: هنر و معنویت

۱۰۱.....	ساحت معنوی هنر
۱۰۳.....	بیگانگی با جوهر زندگی
۱۰۴.....	هنر مقدس چیست؟
۱۰۵.....	مقدسات انسان مدرن
۱۰۷.....	هنر اسلامی و پیام آن
۱۰۸.....	هنرمند مسلمان کیست؟

بخش ششم: اسرار ملکوت

۱۱۱.....	سکوت عرفانی
۱۱۴.....	آیا عرفان می‌تواند سیاسی باشد؟
۱۱۶.....	تصوف و مسیحیت شرقی
۱۱۷.....	اسلام و گفت‌وگوی ادیان
۱۱۹.....	مسیحیت و مدرنیته
۱۲۱.....	سکولاریسم و نقد آن

فصل دوم - نقد و نظر

۱۲۷.....	نقد و نظر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران
۱۶۱.....	فهرست اعلام



[دیباچه]

این سؤال که سابقه تلاش برای تبیین هیئت نهضت‌های انبیا به چه دورانی بازمی‌گردد، همواره اذهان محققان بسیاری را به خود مشغول داشته است. در پاسخی اجمالی باید گفت که این تاریخچه نمی‌تواند از قدمت کم‌تر از تاریخ بعثت پیامبران برخوردار باشد؛ زیرا این رسولان به صراحت، پایان دادن به حاکمیت‌های جور و استقرار عدالت براساس تعالیم الهی را هدف اصلی رسالت خود اعلام می‌نمودند. حتی اگر از تاریخ بی‌اطلاع باشیم نمی‌توان تصور کرد چنین حاکمان جور پیشه‌ای باتمام توان در مقام مقابله با آن‌چه تهدیدی جدی نسبت به زیاده‌خواهی‌های خود می‌پنداشتند، برنیامده باشند. این تقابل نظام‌های ظلم بنیاد با منادیان فرهنگ عدالت و آزادگی همواره دو وجه داشته است: رویارویی مستقیم در زمان حیات پیامبران و قبل از فراگیر شدن دعوتشان، تلاش پنهان برای قلب تعالیم الهی بعد از رحلت آنان.

براین اساس، استمرار یابنده‌ترین برنامه قدرت‌هایی که تعالیم انبیا را سم مهلکی برای بسط‌ید خود می‌پندارند، تلاش در جهت تغییر ماهیت نهضت پیامبران و صالحان است. در این چارچوب قابل درك خواهد بود که چرا از سوی این کانون‌ها

القا می‌شود که «خدا» مقوله‌ای است مقدس و حوزه مقدسات از حوزه سیاست و تدبیر امور جامعه (که نامقدس است و دارای آلودگی‌های بسیار دنیوی) جداست. بر همین منوال رابطه خدا و انسان يك امر کاملاً شخصی، ترویج شده تا تعالیم الهی خلوت‌نشین شود و تهدیدی برای قدرت‌های مسلط بر جوامع بشری به حساب نیاید. در کنار این تقابل کلان، بعد از جنگ بین‌الملل اول و آغاز حضور سازمان یافته‌تر قوای نظامی سردمداران نظام سرمایه‌داری در سرزمین‌های مسلمانان، هجمه مضاعف به جایگاه باورهای دینی در این جوامع در دستور کار قرار گرفت.

در ایران بعد از کودتای انگلیسی ۱۲۹۹ خورشیدی و برآمدن يك فرد دون پایه نصاب، استبداد و استعمار توأمان در صدد برآمدند تا تعالیم اسلامی را کاملاً از صحنه مدیریت جامعه حذف نمایند. این برنامه که با خشونت و صف‌ناپذیری دنبال شد دستاورد کوتاه مدتی بود. رزیدنت‌ها و ترفندهایی نیز به کار گرفته شد تا روشنفکران را با اسلام، بیگانه ساخته نسبت به آن متنفر سازند، اما در دراز مدت این حساسیت منفی فوق‌العاده نسبت به اسلام و برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای محو آن، بیش از پیش آزادگان و صاحب‌نظران جامعه، البته به قابلیت اسلام برای درهم شکستن سلطه بیگانه و کسب استقلال نمود (از جمله این ترفندها، تاریخ‌سازی در دوران پهلوی اول بر این محور بود که ورود اسلام به ایران، هم‌اکنون با تمدن سوزی معرفی شود). نزدیک شدن تدریجی ملت ایران به فرهنگ اصیل اسلامی که با جانفشانی و ایثارگری احیاگران این باورها در دوران خفقان صورت گرفت، محور عظیم سیاسی را موجب شد. اکنون سال‌ها بعد از توفیق ملت ایران در پایان دادن به استبداد و سلطه همه جانبه بیگانه بر کشور، نه تنها این تقابل پایان نیافته، بلکه به دلیل برخورداری از قابلیت الگو شدن در دعوت دیگران به «بازگشت به فرهنگ خویش» تشدید نیز شده است. کتابی که خلاصه و نقد آن تقدیم حضور می‌شود نمونه‌ای از این دست و در چارچوب رویارویی فزاینده قابل ارزیابی است؛ یعنی تقابل اسلامی که غرب در دوران تسلط خود بر ایران مروج آن بود با اسلامی که توانست به عمر استبداد و سلطه بیگانه بر این مرز و بوم پایان دهد. آقای حسین نصر تلاش برای حفظ رژیم پهلوی (که به اعتراف همگان دست‌نشانده بیگانه بود و بعد از کودتای ۲۸ مرداد دیگر هیچ‌گونه

مشروعیتی نداشت) را دخالت در امور سیاسی نمی‌داند؛ زیرا در راستای تقویت اسلام سازگار با سلطه غرب است، اما تلاش شخصیت‌های بزرگی چون مطهری برای پایان دادن به سلطه بیگانه را «مایه شرمندگی» تبلیغ می‌کند و با انتصاب جمله‌ای به علامه طباطبائی خطاب به خود چنین می‌گوید: «آقای دکتر؛ به من نگاه کن؛ به آقا مرتضی بگو کارش را در زمینه فلسفه به سر و سامانی برساند و از ارائه این همه سخنرانی‌های عمومی در جاهای مختلف دست بردارد؛ چرا که مطهری حتی همان وقت‌ها برخلاف میل علامه بیشتر وقتش را به فعالیت‌های مبارزاتی می‌گذراند و علامه بر آن بود که این واقعاً مایه شرمندگی است، چرا که مطهری به لحاظ فلسفی بسیار مستعد بود.» (ص ۳۲) نکته حائز اهمیت این که حتی سال‌ها بعد از سقوط استبداد پهلوی وی به عنوان ریاست انجمن خاتم فرح دیبا در خدمت آلوده‌ترین افراد (هم به لحاظ سیاسی - اقتصادی و هم به لحاظ اخلاقی) قرار گرفتن و تلاش برای بقای آن‌ها در قدرت را فعالیت سیاسی نمی‌داند و خدمت به رژیمی که همه شئونش توسط صهیونیست‌ها و بهایی‌ها اداره می‌شد مقبول می‌افشد، اما در خدمت احیای فرهنگ عاشورایی و عزت‌طلبی درآمدن را مایه شرمندگی می‌خواند! آن‌چه مسلم است اثر حاضر نه اولین تلاش مکتوب و نه آخرین آن با هدف ترویج اسلام آمریکایی و تخطئه اسلام اصیل به حساب می‌آید؛ غرب لطمه خورد و از احیای فرهنگ اصیل اسلامی تلاش می‌کند تا همه امکانات خود را به صحنه آورد و در فراگیری دادن نهضت بازگشت به فرهنگ خویشتن در جهان اسلام جلوگیری کند و در صورت عدم موفقیت دستکم آن‌را به انحراف بکشاند. امیدواریم با نقد این اثر توانسته باشیم در احیای تناقضات تلاش مبلغان اسلام سازگار با سلطه غرب بر جهان اسلام را در معرض قضاوت اهل نظر قرار دهیم.

در جست‌وجوی امر قدسی که حاصل گفت‌وگوی آقای رامین جهانبگلو با دکتر حسین نصر است توسط آقای سیدمصطفی شهبازی ترجمه و در سال ۱۳۸۵ توسط نشر نی در ایران منتشر شده است.

عباس سلیمی‌نمین

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران



[زندگی نامه نویسنده اثر]

سیدحسین نصر در سال ۱۳۱۲ در تهران متولد شد. پدر او سید ولی الله نصر از جمله نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی و هادرش ضیاء اشرف نصر (کیا) نوه شیخ فضل الله نوری بود. وی پس از طی دوره ابتدایی در ایران، در سال ۱۳۲۴ راهی آمریکا شد و تحت نظر دایی خود، عماد کیا، که چندی بعد کسول ایران در نیویورک شد، تحصیلاتش را پی گرفت. نصر ابتدا وارد مدرسه پدی در بوستن شد و سپس از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۰م. در دانشگاه ام.آی.تی به تحصیل در رشته فیزیک پرداخت. پس از آشنایی با دی سانتی بانا و گذراندن دوره ای غیر رسمی درباره فلسفه هندی، و نیز آشنایی با آثار رنه گنون، کوماراسوامی و نیز فریتيوف شوان به عنوان سه نویسنده بزرگ سنت گرا، گرایش به تحقیق و مطالعه در امور مابعد الطبیعه و آموزه های سنتی و شرقی در وی تشدید شد. نصر پس از پایان دوره کارشناسی فیزیک، تحصیلات خود را در رشته زمین شناسی و ژئوفیزیک دانشگاه هاروارد پی گرفت که منجر به اخذ مدرک کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) در این رشته در سال ۱۹۵۶ شد، اما در کنار آن مطالعات خود را در زمینه فلسفه و نیز تاریخ علم هم دنبال کرد. وی دوره دکتری را در دپارتمان تاریخ

علم هاروارد گذراند و در سال ۱۹۵۸ رساله‌اش را که بعدها به صورت کتابی تحت عنوان «مقدمه‌ای برای آموزه‌های کیهان شناسی در اسلام» به چاپ رسید، ارائه کرد. دکتر نصر در همان سال (یعنی ۱۳۳۷ هـ. ش) به ایران بازگشت و به عنوان استادیار فلسفه و تاریخ علم در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. وی پنج سال بعد به درجه استادی کامل رسید و در سال ۱۳۴۷ به ریاست دانشکده ادبیات منصوب شد. دکتر نصر پس از ورود به ایران، ابتدا با حضور در جلسات درس فلسفه و عرفان سید محمد کاظم عصار و سپس علامه طباطبائی به تکمیل آموزه‌های خود در حوزه فلسفه و عرفان اسلامی پرداخت و در حلقه شاگردان علامه درآمد. آشنایی او با هانری کربن و آیت الله مطهری نیز در همین زمان صورت گرفت. شرکت در جلسات درس آیت الله سید محمد احسین قزوینی و مهدی ال‌هی قمشه‌ای بخش دیگری از سیر مطالعاتی وی در ایران بود.

دکتر نصر در اوایل دهه ۷۰ میلادی به عضویت مؤسسه بین‌المللی فلسفه واقع در پاریس درآمد و به دنبال آن در سال ۱۳۵۳ به تأسیس «انجمن شاهنشاهی فلسفه» تحت حمایت فرح دیبا پرداخت. وی اندکی پیش از این از سوی شاه به عنوان رئیس دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) برگزیده شده بود. همزمان با اوج‌گیری نهضت انقلابی مردم ایران و مقارن روی کار آمدن دولت شیخ‌افامامی در شهریور ۵۷، دکتر نصر به سمت رئیس دفتر فرح منصوب شد و تا هنگام سقوط رژیم پهلوی در این سمت ماند. وی اندکی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از کشور خارج شد و به دنبال سرنگونی رژیم پهلوی، در آمریکا اقامت گزید. دکتر نصر از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴ در دانشگاه تمپل در ایالت ویلادلفیا مشغول تدریس شد و پس از آن کار خود را در دانشگاه جورج واشنگتن پی گرفت که تاکنون ادامه دارد.